

Nader Shah's Religious Policy and its Impact on the Management of Astan Quds Razavi Administration in Afsharid Period



Ali Souzanchi Kashani¹

Abstract

Mashhad as the capital of Afsharid dynasty and holding the holy shrine of Imam Reza, experienced many ups and downs over Afsharid period. All trustees of Astan Quds were of Sadat Razavi and Hosseini families, but their power and authority diminished over time, as the dominant power of the Afsharid dynasty was settled in Mashhad and the kings could control and interfere more easily with different matters of Astan Quds Razavi. Nader Shah and his successors usually made decisions for the trustees on the way of managing Astan Quds, on the way of its cooperation with other organizations and government agents, and on other significant issues. The trustees' activities and power were limited and the number of employees was reduced in this period. Holding Shias' specific religious and ritual ceremonies like those common in the Safavid era became more confined. The religious ceremonies of Muslims, especially Eid al-Fitr, Eid al-Adha, and Iranians' national celebration (i.e., Eid Nowruz) were hold magnificently. Nader Shah specifically emphasized on building and developing religious places, maintained his relationship with Shia scholars and employed them in managing the administrative organization of the Holy Shrine and Jame' Mosques. This study tried to explore Nader's religious policies and behavior using the mentioned issues and the survived documents from the period.

Keywords: Nader Shah Afshar, Astan Quds Razavi, Mashhad, Religious ceremonies

1. PhD in History of Islam. Expert in the Studies of Endowment Deeds, The Organization of Libraries, Museums, and the Documentation Centre of Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran



سیاست مذهبی نادرشاه افشار و نتیجه آن بر اداره امور آستان قدس رضوی

علی سوزنچی کاشانی^۱

چکیده

در دوره افشاریه، شهر مشهد، به عنوان مرکز حکومت این سلسله و حرم مطهر رضوی، فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه نمودند. در این دوره، متولیان همه از سادات رضوی و حسینی بودند، اما از قدرت و اختیارات آن‌ها کاسته شد، زیرا به دلیل وجود قدرت مرکزی در مشهد، شاهان افشاریه نظارت و حتی دخالت بیشتری بر امور مختلف آستان قدس رضوی داشتند. نادر و جانشینان او درباره شیوه اداره آستانه، چگونگی همکاری با دیگر نهادها و عوامل حکومتی و سایر امور مهم برای متولیان خط‌مشی تعیین می‌کردند. در این دوره، حوزه اختیار متولیان کاهش یافت، از تعداد کارکنان کاسته شد و برگزاری مراسم مذهبی و آیینی خاص شیعیان به مانند دوره صفویه با درجه کمتری ادامه یافت و حتی از رونق بعضی از آن‌ها کاسته شد و به جای آن اعیاد مذهبی مسلمانان به ویژه دو عید فطر و قربان و جشن ملی ایرانیان (عید نوروز) باشکوه بیشتری برگزار شد. نادرشاه به عمران و توسعه فضاهای زیارتی تأکید ویژه داشت و همچنین ارتباط خود را با عالمان شیعی حفظ نمود و از وجود آن‌ها در تشکیلات اداری حرم مطهر و مسجد جامع استفاده کرد. در این پژوهش سعی شده است با توجه به اسناد، سیاست‌های مذهبی و رفتار دینی نادرشاه بر مبنای این شاخص‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نادر شاه افشار، آستان قدس رضوی، موقوفات، آیین‌های مذهبی، تشیع، روحانیون

۱. دکترای تاریخ اسلام، کارشناس مطالعات اسناد موقوفات اسناد سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ایران؛ alisuzanchi@gmail.com

مقدمه

با سقوط خاندان صفوی در ۱۱۳۵ق ایران وارد دوره‌ای از حیات تاریخی شد که مشخصه اصلی آن آشفتگی سیاسی، بحران اجتماعی، رکود و ورشکستگی اقتصادی بود. مردم ایران قربانیان اصلی اوضاع تاریک و آشوب زده این دوران بودند. واپسین شاهان صفوی که به بی‌کفایتی و بی‌سیاستی شهره بودند، با اعمالشان جامعه ایران را به سمت سراشیبی کشاندند؛ اما نادرشاه در ایران اقداماتی را انجام داد که او را به‌عنوان اعاده‌کننده وحدت سیاسی ایران، پس از پانزده سال آشفتگی و هرج و مرج، محسوب نمودند. او در مدت پادشاهی ضمن غلبه بر آشوبگران داخلی و تجاوزگران خارجی، پایه‌های حکومت خود را تثبیت نمود، اما مجموعه اقدامات، فعالیت‌ها، سیاست و عملکردهای نادر در طول دوره پادشاهی‌اش را از جهات مختلفی می‌توان ارزیابی کرد. دورانی از آشفتگی و ناآرامی و زحمت و رنج از یکسو و درخشش و توفیق در عرصه منازعات بی‌پایان و متعدد نظامی داخلی و خارجی از سوی دیگر. بر این اساس، محور اصلی این مقاله بررسی و تحلیل اوضاع مذهبی ایران به‌ویژه در آستان قدس رضوی به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد دینی ایران، در دوره زمامداری نادرشاه و بررسی پیامدهای منفی و مثبت اقدامات او در این برهه زمانی هست.

بامطالعه منابع و اسناد دوره افشار می‌توان به چند موضوع در مورد عقاید مذهبی نادرشاه اشاره نمود. ۱. هیچ تردیدی نیست که نادر از ابتدای زندگی مذهب شیعه داشت و این اعتقاد را تا آخر حفظ نمود. دلیلش هم آن است که نام اولین فرزندش را رضاقلی نهاد، مدفن والدین او در صحن حرم مطهر است، موقوفاتی را برای آستان قدس رضوی در نظر گرفت و بر توسعه و عمران حرم مطهر امام رضا(ع) کوشید. درباره ارادت نادر به حضرت رضا(ع) و سایر امامان شیعه شکی نیست. این موضوع با بررسی اسناد به‌جامانده از دوران حکومت نادرشاه در مورد نحوه اداره آستان قدس رضوی به‌خوبی مشهود است. ۲. نادر بعد از رسیدن به سلطنت پیش از اطلاع کافی بر اختلاف بین شیعه و سنی، آرزوی اتحاد مسلمین را داشت و تمایل شدید به رفع این اختلافات نشان داد. از آنجاکه هیچ فردی کامل نیست و رفتار او نمی‌تواند موردنقد دیگران قرار نگیرد، نادر نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. متأسفانه دیدگاه و عقیده نادر نسبت به مذهب مورد بی‌مهری قرار گرفته و در کنار جهان‌گشایی‌هایش به حاشیه رانده شده است. ۳. برگزاری مراسم مختلف مذهبی و ملی در قالب اعیاد و مراسم سوگواری و تعزیه، در حرم مطهر امام رضا(ع)، از ادوار قبل مرسوم بود. مردم برای انجام این امور موقوفاتی را در نظر می‌گرفتند و تمام یا قسمتی از درآمدهای آن را برای این کار مصرف می‌کردند. با روی کار آمدن نادرشاه افشار، برگزاری مراسم سنتی در حرم مطهر که شامل دو بخش بود با تغییراتی مواجه شد، اما هرگز تعطیل نشد. ۴. ارتباط نادر با علمای شیعی در این دوره و همچنین استفاده از عالمان دینی در قالب مدرس و پیش‌نماز و سایر امور مذهبی در تشکیلات اداری و اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی. ۵. بررسی اسناد مربوط به معماری و تعمیرات حرم رضوی و اماکن متبرکه آن در این دوره بیانگر این موضوع است که دیدگاه بنیان‌گذار سلسله افشاریه به مقدس‌ترین بنای شیعیان در ایران به‌عنوان یک مجموعه کامل معماری اسلامی و ایرانی چه بوده و در حفظ و نگهداری و توسعه و رونق آنچه اقداماتی را انجام داده است. در این مقاله سعی شده است با بررسی اسناد موجود در آن دوره در زمینه‌هایی

که به آن اشاره نمودیم، به سیاست‌های مذهبی نادر در نحوه اداره امور آستان قدس رضوی اشاره نماییم.

پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی در مورد رویکردهای مذهبی نادرشاه افشار انجام گرفته است، از جمله می‌توان به کتاب نادرشاه نوشته لکه‌هات اشاره کرد در این اثر نویسنده بیشتر به دلایل سقوط صفویه و حمله افغانه به ایران اشاره کرده است و اقداماتی که نادر در راه نجات ایران انجام داده است. تاریخ اجتماعی ایران در دوره افشاریه نوشته رضا شعبانی بی‌شک بهترین پژوهش انجام شده در مورد دوره افشاریه است و به بهترین شکل ممکن اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی آن دوره را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب دو جلدی بر اساس منابع به جای مانده از آن دوره، سفرنامه‌های اروپایی و برخی از کتاب‌ها و مقاله‌های شرق‌شناسان عمده تهیه و از اسناد موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی استفاده نکرده است، برای همین خللی در استفاده از این منابع ارزشمند در آن مشاهده می‌شود. کتاب تاریخ نادرشاه افشار نوشته جیمز بیلی فریزر هم بیشتر به شرح دلایل حمله نادرشاه به هند و شرحی از تاریخ سلسله گورکانیان هند است و البته نامبرده تنها فردی است که در آن دوره به شرح گفتگوهای نادر با علمای دینی در جریان مراسم تغییر سلطنت در دشت مغان اشاره نموده و در منابع ایرانی به این نکته مهم اشاره‌ای نشده است. کتاب نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا اثر غلامرضا افشار نادری و لارنس لکه‌هات همانطور که از اسم آن برمی‌آید بیشتر به لشکرکشی‌های نادر در نقاط مختلف پرداخته و به اوضاع اجتماعی کشور توجه ویژه‌ای نداشته‌اند. سایر پژوهش‌های معاصر نیز بیشتر در زمینه نبوغ نظامی نادرشاه افشار طرح بحث نموده‌اند.

در خصوص مقالات منتشرشده در این موضوع می‌توان به دو مقاله «میراث صفویان؛ تکاپوهای نادرشاه، ساخت نهاد وقف در عصر افشاریه» نوشته منصور صفت‌گل و «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی» نوشته زهرا فاطمی مقدم اشاره نمود. نویسندگان این دو مقاله بیشتر به بررسی شرایط وقف و سیاست‌ها صورت گرفته در خصوص موقوفات در این دوره پرداخته‌اند. البته پژوهش فاطمی مقدم به صورت ویژه مربوط به سیاست‌های وقفی نادرشاه در آستان قدس رضوی و تأثیر آن بر امور اداری و مالی حرم مطهر است. مقاله «رویکرد دینی نادرشاه و تأثیر آن بر شیعیان و عالمان شیعه» نوشته زهرا عبدی نیز به صورت کلی به نوع برخورد این شاه افشاریه با علمای شیعه و به حاشیه راندن آنان از امور مختلف اجرایی در مناصب دینی پرداخته است. در این مقاله سعی گردیده با استناد به منابع و اسناد برجای مانده از دوره نادرشاه به سؤالات مطرح شده در مورد سیاست‌های مذهبی او به ویژه تأثیر آن در اداره امور آستان قدس رضوی در آن دوره پاسخ داده شود و نتیجه این اقدامات در خصوص نحوه مدیریت و اداره بزرگ‌ترین نهاد موقوفاتی و مذهبی کشور (آستان قدس رضوی) را بررسی نماید و نحوه برخورد این شاه افشاری با علمای شیعی که در این آستانه خدمت می‌کردند را با توجه به اسناد دست اول موجود در آن زمان مورد واکاوی قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پژوهش‌های تاریخی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی، عملکرد سیاست مذهبی نادرشاه افشار را باتوجه به اسناد موجود در آرشیو آستان قدس رضوی مورد بررسی قرار می‌دهد.

عقاید مذهبی نادرشاه در زمان مسئولیت‌های مختلف

قبل از ورود به مباحث اصلی لازم است این توضیح داده شود که سیاست‌های مذهبی نادرشاه را می‌توان را به سه بخش اصلی تقسیم‌بندی نمود. از آنجاکه دوره اول آن تکرار همان دوره صفویه است و بیشتر امور بر آن مبنا انجام می‌شود ما در این مقاله سیاست‌های مذهبی او در آستان قدس رضوی را فقط در دو دوره نیابت سلطنت و زمانی که به تخت شاهی می‌رسد مورد بررسی قرار داده‌ایم.

دوره سپهسالاری سپاه تهماسب دوم و فرمانروایی خراسان: در این دوره نادر بر دو رقیب قدرتمند داخلی خود پیروز شد. نخست موفق شد حامی اصلی تهماسب یعنی فتحعلی خان قاجار را از بین ببرد و سپس ملک محمود سیستانی را از خراسان و مشهد بیرون راند. بعد از آن به سراغ دفع رقبای خارجی رفت و در قدم اول توانست افغان‌ها را به صورت کامل شکست دهد. تهماسب دوم که از پیشرفت‌های نادر بی‌اندازه خوشحال شده بود، تاج مرصعی با خلعت گران‌بها و فرمان‌فرمایی استان‌های خراسان، مازندران، کرمان، سیستان و بلوچستان به او واگذار و او را به فرماندهی کل قوای نظامی منصوب کرد. (تهرانی، ۱۳۶۹: ۲۹۳) در این زمان، او فردی علاقه‌مند به مذهب تشیع شناخته می‌شود و نحوه اداره امور مختلف حرم مطهر در این زمان به همان سبک و سیاق دوره صفویه و بیشتر فکر و ذهن نادر هم درگیری‌هایی بود که با رقبای داخلی و خارجی داشت و فرصت انجام تغییر سیاست‌های مذهبی خود را نداشت.

دوره نیابت سلطنت: در این زمان تهماسب از پیشرفت‌های نادر هراسان شد و بی‌هماهنگی با سپهسالار به جنگ با عثمانی‌ها رفت و از آنان شکست خورد و مجبور شد تن به یک صلح‌نامه تحقیق‌آمیز دهد و قسمت اعظمی از سرزمین‌های ایران را که نادر از دست آن‌ها خارج ساخته بود را مجدد به دولت عثمانی واگذار نماید. به این ترتیب، نادرشاه از خراسان به اصفهان آمد و در منطقه هزارجریب مقدمات عزل او از سلطنت را فراهم ساخت و فرزند هشت ماهه او را به نام عباس سوم به سلطنت رساند و خود را به عنوان نایب‌السلطنه ایران معرفی کرد. از این دوره به بعد شاهد آن هستیم که نادر با یک شیب ملایم ابتدا اصلاحاتی را در تشکیلات اداری آستان قدس به وجود می‌آورد و همچنین سیاست تقریب مذاهب را در پیش می‌گیرد در عین حال، موقوفاتی را برای حرم امام رضا (ع) در نظر می‌گیرد و حتی برای اعتاب مقدسه در عراق هم اقدامات عمرانی انجام می‌دهد و نذورات گران‌بهایی را برای آن‌ها در نظر می‌گیرد و می‌خواهد از همه ابعاد رضایت طبقات مختلف جامعه ایرانی را به دست بیاورد. (استرآبادی، ۱۳۶۸: ۲۸۸)

دوره سلطنت نادرشاه: این دوره، نقطه آغاز تغییر رویه مذهبی نادر به حساب می‌آید. او با علمای حاضر در

دشت مغان بحث و گفتگو می‌کند در مورد مصارف موقوفات از آن‌ها سؤال می‌کند و چون به جواب مناسبی دست پیدا نمی‌کند، دستور ضبط موقوفات را می‌دهد و این کار را به نفع خزانه مملکت و مصرف آن را برای خوشبختی مردم می‌دانست. ملا ابوالحسن ملاباشی را به دلیل مخالفت با خواسته‌هایش به قتل می‌رساند. شرط قبول کردن سلطنت را منع نفرین و سب خلفای موردعلاقه اهل سنت می‌داند. به این ترتیب، هرچه جلوتر می‌رود دوری او از مذهب تشیع آشکارتر می‌شود به نحوی که عده‌ای مذهب او را از اهل سنت دانسته و گاهی هم به بی‌دینی متهم می‌شود. (اوتر، ۱۳۶۹: ۱۳۸)

سیاست‌های مذهبی نادرشاه در دوران نیابت سلطنت ایران در آستان قدس رضوی

این دوران از ۱۱۴۵ق تا اواخر ۱۱۴۸ق که در دشت مغان به سلطنت می‌رسد را شامل می‌شود. رویکرد مذهبی نادر در این دوره از دو جنبه مهم قابل بررسی است.

۱. رفتارهای او به عنوان یک شیعه معتقد در قبال زیارت مشاهد شریفه و عتبات عالیات و در نظر گرفتن نذورات با ارزش برای آن‌هاست. او در این زمینه در تعظیم شعایر دینی و تکریم معارف امامان دوازده‌گانه شیعیان نهایت تلاش خود را به کار برد. او حتی مدفن پدر و مادر خود را در جوار مضجع شریف حضرت رضا (ع) در مقابل پنجره فولاد در نظر می‌گیرد. نادر افشار در این دوره که به قصد فتح بغداد به نواحی عراق رفته بود، عازم عتبات عالیات شد و به زیارت مشاهد شریفه شیعیان رفت و نذوراتی را برای آن‌ها در نظر گرفت و دستور مرمت و تعمیر و یا ساخت ابنیه جدید در حرم‌های اهل بیت (ع) را صادر نمود. نادر هنگام زیارت بارگاه منور حضرت علی (ع) بسیار خضوع و خشوع می‌کرد. در هنگام زیارت خود را روسیاه کامل می‌دانست و از آن امام همام طلب بخشش و مغفرت گناهانش را داشت. خطاب به حضرت می‌گفت: من هیچ نبودم و از لطف شما نادر گیتی ستان شدم و سرافراز گشتم و گرنه من یک رعیت مسکین و پایین رتبه بودم و ذره‌ای بیش نبودم، اما به خاطر نظر بزرگواری چون شما بزرگ شدم و در پایان از حضرت می‌خواهد که در غم‌ها و شکست‌ها به او فیروزی و موفقیت عطا نماید. (مروی، ۱۳۶۹: ۲۶۶-۲۷۲)

نادر در همان سفر، به زیارت سایر اماکن مقدسه شیعیان در عراق می‌رود و نذورات و هدایای بسیار ارزشمندی را برای هریک از این عتبات مقدسه در نظر می‌گیرد. او به صورت ویژه و خاص به زیارت حرم امام حسین (ع) می‌رود و برای آنجا نذورات و اقدامات ارزشمندی را انجام می‌دهد. مروی در مورد اقدامات نادر در امام حسین (ع) این‌گونه می‌نویسد: «روی نیاز بدان تربت با تربت سوده با چشم اشک بار و دل غمگسار به زبان نیاز عرض حاجات ساز کرده از روحانیت مطهره اباعبدالله الحسین و آن نور دیده سید کونین و سایر شهدا استمداد نمود و از بار انعام و نذر و مطایا امانی و آمال مجاوران آن عتبه علیه عالی مقامی را گرانبار ساخته همگان را به صلوات عاطفت نوازش فرموده و از اجناس نفیسه و گلابتون و مکمل به جواهر قبرپوشی ترتیب داده و در صندوق تربت بهشت تربت پوشانند و سطوح و جدار و ارکان دور و دایره آن قبه عرش نشان را به پرده‌های منقش بدایع آثار و رشته‌های مروارید آبدار زیب و زینت داده چهار قنديل طلای تمام عیار مدور و جواهرات از

قبیل دانه‌های زخرف و یاقوت و الماس و زبرجد بدان نصب نموده هر یک چون آفتاب و سهیل یمانی بر سپهر آن عتبه نورانی چون بروج دوازده‌گانه آسمانی قرار نمود و چهار قبه طلا به دور مرقد باصفا نصب ساخت. آن روضه خلدآیین را از فروش ابریشمی چون بهشت برین مزین ساخته، مناره‌ها که پیراهن آن عتبه سدره مرتبه هر یک از پادشاهان ایران ساخته بودند به مزگان اخلاص رفته همگی را به فرش‌هایی گوناگون و زیورهایی از عقل بیرون بیاراست و جهت زوار و مجاوران آن روضه جنت‌آثار از اطعمه و اشربه فراوان و حلویات بی‌پایان المقدار مقرر داشت که متوطنان و سکنه آن سده بلند مکان را از تقیض راتبه هر روزه مطمئن خاطر گردانیده و دو شب و روز از روی اخلاص و اعتقاد تمام و خضوع و خشوع از اول شب تا طلوع صبح در سر مرقد منور آن سرور به سر برد». (همان: ۲۵۴)

۲. وقف املاک و مستقالات توسط او برای حرم امام رضا (ع) و برقرار کردن امکانات رفاهی برای زائران آن حضرت، همچون درست کردن سقاخانه نادری و دادن یخ در روز عاشورا در زمان‌هایی که در فصول گرم سال واقع می‌شد. در این دوره او بسیار حساب شده عمل می‌نماید و وجه عمومی او به‌گونه‌ای است که همگان او را فردی می‌دانند که کشور را از دست متجاوزان نجات داده و سرداری مبارز و فداکار است که با اعتقادات بالای مذهبی به آیین تشیع و از ارادتمندان به اهل بیت (ع) است و حتی موقوفاتی را برای آستان قدس رضوی و در جهت تسهیل امر زیارت و بالابردن امور رفاهی در حرم مطهر در نظر می‌گیرد. (مستوفی‌همدانی، ۱۳۱۷: ۱۶۲-۱۶۰) نادرشاه اولین واقف در بین خاندان افشاریه است که املاک و مستقالاتی را وقف بر حرم مطهر امام رضا (ع) می‌کند و تمام مصارف و تولیت آن را بر عهده متولی وقت آستان قدس قرار داد. این وقف‌نامه ارزشمند که از نظرهای متعدد قابل توجه است، چند نکته را درباره اعتقاد قلبی نامبرده به مذهب و آیین تشیع تصریح می‌کند. به‌عنوان نمونه در مقدمه وقف‌نامه از نادر با عباراتی مانند «مروج اثنی عشر»، «غلام بااخلاص آل علی و بنده خاص نبی و ولی»، «حامی بلاد شیعه و شیعیان» یاد گردیده است. او در این وقف‌نامه در مورد حضرت رضا (ع) عبارات بسیار مقدس و حاکی از احترام و اعتقاد ویژه‌اش به آن حضرت را به کار برده است. (شعبانی، ۱۳۶۹: ۳۶۹/۱)

مورد موقوفه نادر عبارت است از تمام املاک، رقبات و مزارعی که در روستای دهشک نزدیک مقبره فردوسی قرار داشته است، به اضافه دکان‌ها و سایر مستغلاتی که از مال خالص و مباح خود طبق متن وقف‌نامه خریداری و تحصیل نموده و آن‌ها را که در بازار مشهد و میدان درب دولت خانه بوده و درآمد سالانه آن افزون بر ۲۵۰ تومان خالص که در آن زمان رقم بسیار گزافی بود را وقف حرم امام رضا (ع) می‌کند. (منجم‌باشی، ۱۲۶۸: ۵۴-۴۵) در این بین، مصارف موقوفه در نوع خود بسیار جالب است. نادر قسمت اعظم آن را وقف سقاخانه جدید نمود که به دستور خودش احداث شده بود. سنگاب مرمر سفید آن را از منطقه هرات بعد از فتوحاتی که در آنجا نموده بود به مشهد آورد و در محل صحن حرم مطهر بر روی سقاخانه نصب نمود و از محل نهر طرق آب را در آن جاری نمود تا زائران برای وضوگرفتن و رفع عطش از آن استفاده نمایند. همچنین در پنج ماه گرم سال دستور داد روزانه سی من یخ خریداری شود تا رفاه بیشتر زائران را که به زیارت مشرف می‌شدند تأمین نماید. با بررسی تعیین مصارف

موقوفه متوجه می‌شویم یکی از مصارف مهم آن این است که همه‌ساله در روز عاشورا که در فصل‌هایی از سال قرار می‌گرفت که هوا گرم می‌شد، مبلغ شش تومان برای خرید قند، عرق بیدمشک و تخم ریحان در نظر بگیرند و از عزاداران امام حسین (ع) و افرادی که به حرم مطهر می‌آیند با شربت پذیرایی نمایند. مورد دیگر مصرف موقوفه در نظر گرفتن سالانه مبلغ پنجاه تومان جهت رونق و انتظام مقبره والدین خود و بابا بیگ پدر همسرش قرارداد تا حقوق خدمه و باغبانان محوطه مزبور پرداخت شود، مؤذنان به گفتن اذان و خواندن مناجات در هنگام وقت نماز مشغول شوند و حفاظ کلام‌الله مجید یک جزء قرآن در صبح و یک جزء در شب تلاوت نمایند. (همدانی، ۱۳۱۷: ۱۶۲) مقبره همه آن‌ها در نزدیک پنجره فولاد صحن مقدس قرار داشت.

نادر تولیت این موقوفه را بر عهده فرزند ارشدش، رضاقلی، قرارداد و بعد از او در فرزندان پسر ارشد از نسل رضاقلی میرزا ادامه پیدا کند و در صورتی که فرزندان پسر در نسل او منقرض و ادامه نیافت، با فرزندان ارشد مرد در خانواده برادرش ابراهیم‌خان باشد و اگر چنانچه خاندان ذکور او هم ادامه نیافت، تولیت آن با متولی وقت آستان قدس رضوی باشد و یک‌دهم از درآمدهای آن را برای متولی و یک‌پنجم آن را برای ناظر موقوفه در نظر گرفت. در سطر انتهایی وقف نامه هم نوشته شده است «[...] تغییردهنده، به سخط و لعنت الله تعالی و نفرین اعلی حضرت رسالت پناهی و آل طیبین و عترت طاهرین او صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حواله فرمودند». (شعبانی، ۱۳۶۹: ۱/۳۶۹)

باتوجه به این دو موضوع می‌توان مدعی شد نادر که در فضایی با فرهنگ شیعه در دوره صفویه متولد و رشد یافت و بدیهی بود به عنوان فرد قدرتمند با دیدگاه‌های سیاسی، این نکات را موردتوجه قرار دهد. این‌که او بعدها و بنا بر ضرورت‌های سیاسی و نظامی با سعه صدر روشنی دید خود را نسبت به رعایای سنی مذهب خود و اساساً همه پیروان ادیان الهی دیگر ساکن در محدوده شاهنشاهی ایران نشان داده، نماینده بینش انسانی و خردمندی قابل تحسین اوست.

سیاست‌های مذهبی نادرشاه در دوره سلطنت

اولین اقدام نادر بعد از تاج‌گذاری در دشت مغان این بود که تمام روحانیان دینی را جمع کرد و به آن‌ها گفت: درآمد اوقاف بسیار زیاد است و همه آن در اختیار شماست با آنچه می‌کنید؟ نادر بعد از شنیدن جواب آن‌ها قانع نشد و بلادرنگ دستور داد تا بررسی‌های درستی از اوقاف کشور و درآمدهای آن بشود. بعد از چند روز رسیدگی اعلام شد که درآمدهای اوقاف، بیش از یک میلیون تومان در سال بوده است. نادر فرمان داد این درآمد باید به خزانه دولت واریز شود و روحانی‌ها اگر خواستند می‌توانند در ارتش و جاهایی که نادر صلاح می‌داند خدمت نمایند و حقوق خوبی هم به آن‌ها خواهد داد. (اوتر، ۱۳۶۸: ۱۳۸-۱۳۷) این تغییر در نگرش مذهبی او به قدری برای شیعیان سخت بود که او را سنی مذهب نامیدند و حتی مورخی مانند محمد شفیع تهرانی به کشتار مردم دهلی اشاره می‌کند و می‌گوید برخی از آن‌ها برای زنده ماندن اظهار نسبت خود به سیادت نموده و خود را در جرگه سادات معرفی می‌کردند، اما نظامیان نادر در جواب می‌گفتند: «[...] مطابق حکم محکم شاهنشاه سادات

چندی را در عین روضه نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین و بغداد و در مقبره والای مشهد مقدس طوس فیض به دولت اقدس سرمدی شهادت رسانده‌ایم که شمایان مرتبه غلامی آن‌ها اگر می‌داشتید شرف‌ها حاصل می‌کردید» و در ادامه مدعی می‌شود آن قدر که به دستور نادر سپاهیان تحت امر او از سادات و مردم ایران را کشتند حتی یک صدم آن در بلاد سراسر هندوستان اتفاق نیفتاد! (تهرانی، ۱۳۶۹: ۱۹۶) البته نویسنده این کتاب چون از ایرانیان مقیم هند بود، در بیان بعضی از حوادث مبالغه فراوان نموده است.

انگیزه‌های نادر در هم‌سوئی با مکتب تسنن کاملاً سیاسی بود. این تغییر دینی او تلاشی برای استیلا بر کل جهان اسلام و دستیابی به موقعیت سیاسی بالاتر بود. اگر او نظام سیاسی و مذهبی اش کماکان شیعه باقی می‌ماند، چنین چیزی امکان‌پذیر نبود. (اکسورثی، ۱۳۸۸: ۲۲۹) تفاوت رویکرد مذهبی نادر با رویکرد مذهبی صفویان، تحولاتی را در وضعیت اداره آستان قدس رضوی به همراه داشت که از نتایج آن می‌توان به وابستگی مالی آستانه به حکومت مرکزی، کوچک شدن تشکیلات اداری، حذف برخی مشاغل و درنهایت نظارت جدی و مستقیم حکومت بر تمام امور آستانه اشاره نمود. (ساکماق، ۳۵۱۸۵: ۱) درحالی‌که امور اصلی آستانه تعطیل نمی‌شود و بسیاری از متولیان بر همان سیره سابق از سادات رضوی و حسینی انتخاب و بسیاری از آداب و رسوم دینی و مذهبی رایج در جامعه کماکان با تغییرات جزئی انجام می‌شد. از همه مهم‌تر این بود که زیارت امام رضا (ع) برای زائرانی که از سرشور و شوق و عشق به ضریح ملکوتی و قدسی آن حضرت مشرف می‌شدند با هیچ محدودیتی مواجه نشد و آزادانه به عتبه بوسی حضرت مشرف می‌شدند. ارادت نادر به این مکان مقدس کم نشد و همواره امور اداری، مالی، موقوفاتی و مذهبی آن را با نظمی دقیق و مرتب اداره می‌کرد. در این دوره نادرشاه اداره امور مسجد گوهرشاد را که به نوعی در آغوش حرم مطهر جا خوش کرده و گنبد و گلدسته‌های آن با حرم مطهر قرینه‌ای زیبا و چشم‌نواز به وجود آورده است را یکی نموده و زمام اداره آن را هم به میرزا محمدرضا متولی‌باشی وقت آستان قدس رضوی واگذار می‌نماید و در حکم خویش بر رونق و انتظام هر دو محل تأکید بسیار می‌نماید. (ساکماق، ۳۵۳۶۱: ۱)

اقدامات فرهنگی آستان قدس متوقف نمی‌شود و نادر برای کتابخانه آستانه کتاب‌های ارزشمندی را می‌آورد. دفعه اول در ۱۱۴۵ق و دوره نیابت سلطنت او بود که دستور می‌دهد باقی‌مانده کتاب‌های کتابخانه سلطنتی اصفهان را که در حمله افغانه غارت شده بود به مشهد منتقل شود تا بر مدارس علمیه وابسته به آستان قدس وقف شود و در کتابخانه نگهداری شود و طلاب از آن استفاده نمایند. (ساکماق، ۵۲۷۷۲: ۴) همچنین چند سال بعد که موفق شد هندوستان را فتح نماید، کتاب‌ها و قرآن‌های نفیسی را که از آن دیار با خود به غنیمت آورده بود را به کتابخانه آستان قدس اهدا می‌کند و بر این اساس می‌توان او را بزرگ‌ترین واقف دوره سلسله افشاریه نامید. در بین کتاب‌های اهدایی او بسیاری از منابع مهم شیعی هم موجود است. (ساکماق، ۵۲۷۷۲: تمام صفحات) او بیش از ۳۵۰ جلد کتاب را وقف کتابخانه حرم امام رضا (ع) می‌کند و علاوه بر آن استفاده از قفسه کتاب برای چیدن کتاب‌ها به جای آنکه آن‌ها را در صندوقچه‌ها قرار دهند - که این نشانگر ایجاد نظمی جدید

۱. برای آشنایی با سیاست‌های وقفی نادر در مورد آستان قدس رضوی، ر.ک: (فاطمی مقدم، ۱۳۹۱)

در کتابخانه است - برای اولین بار در دوره نادر مشاهده می‌شود. (ساکماق، ۳۶۹۳۴: ۱۰؛ ۵۲۷۷۴: ۱۸؛ ۵۲۷۷۵: ۵۲) نکته جالب در مورد کتابخانه این است که کتابداران و سایر مشاغلی که در آنجا مشغول به فعالیت بودند در دوره نادر ۱۱ نفر و بعد از او به چهار نفر تقلیل می‌یابند. (علیشاهی، ۱۳۷۹: ۲۵) این نشان دهنده اهمیت امور علمی و فرهنگی در نظر نادرشاه است و تعداد کتاب‌هایی که در دوره او به امانت داده شده است، بسیار بیشتر از دوره جانشینان اوست که تقریباً سه برابر دوره دوازده‌ساله حکمرانی او بر مسند قدرت بودند.^۱

مکتب‌خانه برقرار بود و معلمان آن از آستان قدس رضوی حقوق دریافت می‌کردند و مدارس دینی هم کماکان به آموزش طلاب دینی مشغول بودند و مدرسان حقوق و مزایایشان پرداخت می‌شد. او در ۱۱۴۶ ق، فرمانی صادر می‌کند تا ۵۰ نفر از فرزندان بزرگان و خانواده‌های محترم شهر مشهد یا افرادی که دارای استعداد نویسندگی بوده و تقاضای ورود به مشاغل دیوانی را داشته باشند در مدت یک سال و نیم چنان تربیت نمایند که در فن نویسندگی و سیاق‌خبره گردند و بعد از طی نمودن این دوره آموزشی در مکتب‌خانه و زیر نظر مستوفیان زبده وارد مشاغل دیوانی شوند. (ساکماق، ۳۵۲۴۲: تمام صفحات)

خدمات اجتماعی آستان قدس رضوی هم در حوزه افزایش سطح رفاه زائران ادامه یافت و دوائری مانند دارالشفاء، مهمان‌سرا، روشنایی، شربت‌خانه، سقاخانه به ارائه خدمات رفاهی زائران بی‌هیچ کم‌وکاستی مشغول بودند. کشیک‌های حرم از پنج به سه کشیک کاهش یافت، اما کماکان شامل کارکنانی بود که به خدام، فراش، دربانان، حفاظ و مؤذنان بود و احکام انتصاب این افراد و میزان مواجهی که دریافت می‌کردند به همراه وظایفی که بر عهده داشتند در اسناد دوره افشاریه باقی است. این شاه افشاری همواره تأکید داشت خدام آن دربار فیض‌مدار می‌باید از بزرگ و کوچک راست‌کیش و حق‌شناس و الگویی برای مردم عادی جامعه باشند و از ایشان راستی را بیاموزند. (ساکماق، ۳۵۸۸۵: ۱)

نذورات نقدی و جنسی در حرم مطهر برقرار بود و مردم می‌توانستند علاوه بر زیارت مضجع شریف امام رضا(ع)، وجوه نقدیشان را داخل ضریح مطهر بیندازند. احکامی که در آن دوره به دستور نادرشاه صادر شد، عشق و ارادت او را به حضرت رضا(ع) نشان می‌دهد و همواره بر رونق و شکوه روزافزون آستان قدس رضوی تأکید دارد و سعی و تلاش خود را نموده در امور آنجا هیچ خلل و بی‌نظمی به وجود نیاید. او اعتقاد داشت که خودش و تمام مردم ایران از نثار کردن جان برای امام رضا(ع) مضایقه ندارند و مال دنیا که هیچ ارزشی ندارد و اگر بر این امور سخت می‌گیرد، هدف او این است که در اموال موقوفه حضرت تصرف و تقلبی انجام نگیرد. (ساکماق، ۳۵۸۸۵: ۱) نادرشاه همچنین در ۱۱۵۳ ق بعد از فتح هندوستان، ترکستان و خوارزم در اواخر ماه شوال وارد مشهد شد و قندیل طلایی باارزش که در آن مینای مرصع زیبایی کار شده بود به همراه یک قفل طلا که بر روی آن جواهرات مختلفی مرصع‌کاری شده بود، وقف حرم مطهر نمود و کماکان به‌عنوان یک واقف و نذرکننده مهم برای آستان قدس رضوی شناخته می‌شود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲-۶۲۸/۱)

۱. برای آشنایی بیشتر با تاریخ کتابخانه آستان قدس در عصر افشاریه، ر.ک: (محبوب‌فریمانی، ۱۳۹۰)

نحوه برگزاری اعیاد مذهبی و ملی در دوره افشاریه

اعیاد مذهبی: بخش دیگری از سیاست مذهبی نادر را می‌توان در اجرای مراسم مذهبی در حرم امام رضا (ع) بررسی و بیان نمود و قبل از آن یک نگاه مختصر به پیشینه این مراسم در حرم مطهر در دوره صفویه خواهیم انداخت. در آستان قدس از دوره صفویه به بعد در شب و روزهای اعیاد و تولد اهل بیت (ع)، مراسم جشن بر پا می‌گردید و اماکن متبرکه، سردرها، ایوان‌ها، مناره‌ها و گنبد مطهر را با وسایل روشنایی خاص هر دوره روشن و نورانی می‌کردند. در این ایام، شب و روز نقاره نواخته می‌شد و کارکنان این مکان به نام کوسچی یا طبال شناخته می‌شدند. (ساکماق، ۳۳۴۵۴: ۱؛ ۱۸۸۸۱: ۱) در آن زمان، بیشتر این مراسم در محلی به نام دارالضیافه که در قسمت غربی صحن حرم مطهر قرار داشت، برگزار می‌شد. در روزهای عید از زائران و مجاوران به طرز با شکوهی پذیرایی می‌کردند و هزینه‌هایی بابت تهیه شیرینی و شربت و فالوده و غیره پرداخت می‌شد. (ساکماق، ۳۶۸۸۳: ۲) در دوره نادرشاه در اعیاد عمومی مسلمین مانند تولد پیامبر اکرم (ص)، مبعث حضرت ختمی مرتبت، عید قربان و عید فطر نیز هزینه‌هایی در آستان قدس رضوی می‌شد. در ۱۱۵۶ ق اقلامی به این شرح: کشمش سبز، زردآلو، خربزه گرمک، انگور خلیلی، هندوانه، عسل، خیار، انگور فخری، خربزه تخته، نشاسته، ماحضری، حلوائی ماقوت، ترب سفید، لویاسبز (کذا)، حلوائی آرد، آب زرشک، قاشق، بشقاب به مناسبت دو عید قربان و فطر توسط آستان قدس رضوی خریداری شد تا از کارکنان حرم و زائران و مجاورانی که به زیارت مشرف شده بودند، به بهترین نحو ممکن پذیرایی نمایند. (همان)

با این وجود، در دوره نادر، مراسم مربوط به اعیاد خاص شیعیان مانند عید غدیر، نیمه شعبان مانند دوران قبل برگزار می‌شد و در این زمان‌ها روشنایی و سوخت حرم مطهر و اماکن متبرکه انجام می‌شد (ساکماق، ۳۵۶۴۴: ۲۰۱، ۳۵۶۵۵: تمام صفحات) با رسیدن این اعیاد مسئول روشنایی حرم موظف بود با انواع و اقسام شمع مومی و شمع پیه که در شمعدان‌های مخصوص گذاشته می‌شد، به همراه قندیل و چهل چراغ‌هایی که در آن زمان در اختیار داشت، درهای ورودی حرم مطهر، در مرصع، در طلا، ضریح مطهر حضرت رضا (ع)، دارالسیاده، دارالشفاء، گنبد حاتم بیگ، الله وردیخان و امیرعلیشیر نوایی، کفشداری‌ها، صحن مقدس و به‌ویژه گنبد سقاخانه تازه تأسیس توسط نادرشاه را به بهترین شکل ممکن روشن نماید تا زائران به راحتی و سهولت زیارت خود را انجام دهند. (ساکماق، ۳۵۶۴۴: ۱) علاوه بر تأمین روشنایی حرم مطهر در این اعیاد، توزیع آش به فقرا، توزیع شیرینی و شربت و انواع حلواجات و میوه‌ها در اعیاد ماه‌های ذی‌حجه و شعبان را شاهد هستیم. (ساکماق، ۳۵۹۶۹: تمام صفحات) روشنایی حرم مطهر در این شب‌ها بیشتر بود و نواختن نقاره به مناسبت این جشن‌های مذهبی در حرم مطهر انجام می‌شد. (ساکماق، ۳۷۰۲۱: ۳۹، ۳۵-۳۴)

عید نوروز: این عید در نظر نادر به‌عنوان یک رسم ملی ایرانیان محسوب می‌شد و یکی از هزینه‌های اصلی آستان قدس رضوی هم‌زمان با فرارسیدن نوروز و فصل بهار بود. همه‌ساله عده بی‌شماری از هر طبقه وضع و شریف، مرد و زن از نقاط مختلف ایران به مشهد می‌آمدند تا موقع تحویل و تجدید سال شمسی، به منظور مبارکی و کسب فیض در مجاورت مرقد امام رضا (ع) باشند. به روایت اسناد، همیشه در این موقع تمام حرم

مطهر و رواق‌ها و صحن مقدس و کلیه حجره‌ها و غرفه‌ها و بست‌ها و خیابان‌های منتهی به حرم مطهر پر از جمعیت می‌شد. خدمه آستان قدس هم در این هنگام باید برای حفظ نظم و امنیت مردم در مشاغل خود آماده خدمت می‌بودند. (مؤتمن، ۱۳۵۱: ۳۲۳) وقتی که حرم مطهر مملو از جمعیت می‌شد، به خاطر آنکه امنیت مردم حفظ شود، به اصطلاح خاص آن دوره «قرق عام» می‌شد، (ساکماق، ۳۵۶۸۱: ۸، ۴؛ ۳۷۰۳۸: ۸، ۴) یعنی برای آنکه ازدحام جمعیت باعث بروز حوادث ناگوار برای مردم نشود، به محض پر شدن بیوتات مختلف حرم مطهر ورودی‌های آنجا را می‌بستند و مانع داخل شدن افراد می‌شدند.

هزینه‌ها و ارقام خریداری شده به مناسبت عید نوروز یا به اصطلاح آن دوره «نوروز فرخنده سلطانی» شامل «شیر گاو، ماست، فرنی، برنج، حلوائ ماقوت، نشاسته، شیر، شیره کشمش، گلاب، شامل: هیمه، مغز بادام، زعفران، سبزی، قند، عرق نعناع، سماق، زرشک دانه دار، آب زرشک، ترشی خیار، رب انار، هل، دارچین، شربت خشخاش، سیب باره، شیر بز، سرکه، کشمش سبز، فالوده، ماست شورقه، خیار، زردآلو نوری، گیلاس، خربزه شخته، انگور خلیلی، نمک، هندوانه، شفتالو، مغز پسته، دوشاب، روغن، ترشی بادنجان، حلوائ برنج، حلوائ آرد، حلوائ لوز، حلوائ گزنگبین، خمیره صندل قاشق فرنی» بود. (ساکماق، ۳۷۰۳۹: تمام صفحات)

در مواقعی که نادرشاه و یا خاندان حکومتی در حرم مطهر حضور پیدا می‌کردند از واژه «قرق شاهی» استفاده می‌شد که در این موقع فقط خاندان سلطنتی و وابسته به دربار افشاری به صورت اختصاصی به زیارت می‌آمدند. در مراسم عید نوروز به رجال و صاحب منصبان مهم انواع خلعت شامل قبای قطبی، قبای قدک و قبای چیت داده می‌شد. در این روز نیازمندان هم از عطایای سلطانی بهره‌مند می‌شدند و به آن‌ها کفش و پوشاک تصدقی شامل پیراهن، زیرجامه، کلاه و شال کشمیری داده می‌شد. (ساکماق، ۳۵۴۰۳: ۳ و ۹) وجوهی هم به عنوان تبرک در شب عید نوروز از محل ضریح حضرت به صاحب منصبان دولتی، لشکری و مقامات آستان قدس رضوی پرداخت می‌شد. (ساکماق، ۲۱۲۴۸۵: ۱-۲)

مراسم سوگواری و تعزیه: در آستان قدس، ایام وفات ائمه (ع) به ویژه در ماه‌های محرم، صفر و رمضان مجالس ذکر مصیبت و تعزیه برگزار می‌شد و روضه‌خوانان و مرثیه‌سرایان در آن به ذکر مصیبت می‌پرداختند. در میان همه وفیات و مجالس ذکر مصیبت، دو شب در ایام سال امتیاز مخصوص داشت که در آن‌ها مراسم ویژه برگزار می‌شد. آن شب‌ها عبارت بودند از شب عاشورا و شب بیست و یکم ماه رمضان که روضه‌خوانی باشکوه و مراسم خاص برگزار می‌شد. نادر در زمان نیابت سلطنت به روضه‌خوان رسمی آستان قدس به خاطر مراسم عاشورا و شب بیست و یکم ماه رمضان مبلغ دو تومان انعام از محل قنات عشرت‌آباد بنا بر نیت واقف و مبلغ هشت هزار دینار خلعت می‌داد. انجام روضه‌خوانی را هم به موجب تعلیقه‌ای که از جانب متولی آمده بود به موجب رقمی که صادر نموده بود، بر عهده آقا محمد مهدی صدرالحفاظ آستان قدس گذاشته بود. (ساکماق، ۳۵۳۶۱: ۲۱)

یکی از مهم‌ترین مراسم سنتی و مذهبی کشورمان در ایام محرم در دوره صفویه و افشاریه، آیین نخل‌گردانی بود که بیانگر تشییع پیکر مقدس امام حسین (ع) در روز عاشورا است و حتی به روضه‌خوانانی که در روز عاشورا برای مردم مداحی نموده و در سوگ شهادت امام حسین (ع) نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی می‌کردند، انعام پرداخت

می‌شد. (ساکماق، ۲: ۳۵۰۴۴) البته بعد از آنکه نادر به مقام پادشاهی رسید، این مراسم از رونق افتاد. آیین کهن نخل‌بندی به‌ویژه در روز عاشورا در حرم مطهر امام رضا (ع) تا انتهای دوره افشاریه برگزار می‌شد و بعد از آن به فراموشی سپرده شد. البته در دوره نادرشاه این مراسم کمتر برگزار می‌شد، اما بعد از او مجدد از شکوه و رونق فراوان برخوردار شد و حتی در روز شهادت امام حسین (ع)، دکان‌ها و حمام‌های متعلق به آستانه تعطیل می‌شد، از این بابت، در اجاره‌ای که از مستأجران مستقلات موقوفه دریافت می‌شد، تخفیفی اعمال و هزینه آن از اجاره کل کسر می‌گردید. (ساکماق، ۱۷۵۵۶۰: ۷-۶، ۱۷۵۵۰۳: ۳)

دستور نادر در مورد نحوه عزاداری در ایام ماه محرم: نادر در مورد مراسم عزاداری مخالف تندروی بود. او درحالی‌که گریه کردن بر مصائب ائمه (ع) را واجب عینی و باعث شفاعت اخروی شیعیان می‌دانست، اما اعتقاد داشت که این روش باید بر مبنای عقلانیت و استفاده از منابع معتبر شیعه باشد. به همین دلیل در ۱۱۴۷ق، درحالی‌که نایب‌السلطنه ایران بود، دستوری خطاب به متولی‌باشی آستان قدس رضوی و عاشور خان نایب فرزندش رضاقلی میرزا و کلانتر و عموم مردم مشهد صادر کرد و از آنان خواست که در مراسم عزاداری از اعتدال خارج نشده و از جلاء‌العیون اثر محمدباقر مجلسی (۱۱۱۱-۱۰۳۷ق) در ذکر سرگذشت زندگانی چهارده معصوم و احادیث شیعه و سایر کتاب‌هایی که توسط افراد قابل اعتماد به رشته تحریر درآمده، استفاده نمایند. مقصود او این بود که به دست مخالفان تشیع بهانه اعتراض و طعنه‌جویی ندهد و آن‌ها شیعیان را افراد بدعت‌گذار معرفی نکنند. فرمان فقط خطاب به مردم مشهد صادر شد، درحالی‌که اگر لازم بود نادر می‌توانست آن را برای تمام مردم ایران صادر نماید، اما با توجه به اینکه مشهد یک شهر مذهبی و زیارتی مهم در ایران محسوب می‌شد، مدنظر او به صورت خاص مربوط به این شهر و مسئولین آستان قدس رضوی بود. (ساکماق: ۳۵۴۷۳: ۱۱) لازم به ذکر است که بعد از سلطنت نادر ما در میان اسناد آستان قدس شاهد برگزاری مراسم عزاداری برای شهادت امام حسین (ع) نیستیم و تا پایان سلطنت او مراسم عزاداری و نخل‌بندی در حرم مطهر برگزار نشد.

ارتباط نادرشاه با علمای دینی

بررسی تعامل نادرشاه با علمای شیعی، از این لحاظ اهمیت دارد که بسیاری از پژوهشگران عصر افشاریه در داخل و خارج از ایران بر این عقیده هستند که او با اولویت‌بخشی به مسائل سیاسی و نظامی، به نهاد دینی نپرداخت و برای علما نیز ارزشی قائل نمی‌شد، زیرا علما حامی حکومت صفوی بودند. همچنین با ضبط اوقاف، به منابع مالی علما ضربه وارد نمود. در نتیجه، حضور علما در عرصه سیاسی و اجتماعی کم‌رنگ شد. در این قسمت سعی می‌شود با بررسی اسناد به‌جامانده در مرکز اسناد آستان قدس رضوی به ارتباط نادرشاه با علمای زمان خویش بپردازیم. در این مورد دو سؤال اساسی پیش می‌آید: ۱. آیا نادر برای علما و روحانیون امتیاز خاصی را در نظر گرفت؟ ۲. آیا از وجود آن‌ها در مشاغل مختلف دولتی استفاده می‌نمود یا نه؟

امتیازات نادرشاه به علمای شیعی: با بررسی اسناد به‌جامانده از آن دوره دریافت می‌شود نادر احترام و حرمت روحانیون را نگه می‌داشته است. شاید مهم‌ترین سند در مورد ارتباط نادر با علما در بین اسناد موجود، حکمی

است که نادر در مورد علمای اعلام و شیوخ و اولاد آنان صادر نمود و آنان را از غلام‌گیری و ملازم‌گیری که نوعی خاص مالیات دیوانی است، معاف نمود. این حکم در ۱۱۵۶ق (سال‌های آخر حکمرانی نادرشاه) صادر و مفاد حکم به شرح ذیل است: «رقم به تاریخ ۲۵ شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۱۵۶ آنکه اعوذ بالله تعالی فرمان همایون شد که چون در این وقت که علمای اعلام و شیوخ اسلام و ثقات کرام ممالک محروسه ایران وارد درگاه جهان‌پناه گردیدند بر طبق عرض و استدعای ایشان عموم اولاد و اطفال این فرقه را از غلام‌گیری و ملازم‌گیری معاف فرمودیم. لهذا حکام کرام و ضابط و عمال ولایات ممالک محروسه سلطانی هر یک در محل اختیار خود اولاد و اطفال و علما و شیوخ اسلام و ثقات آن ولایت را از تکالیف غلامی و ملازمت دیوان معاف و مسلم دانسته تعیین شلتاقات و زیادتی و دست‌اندازی به جهت ایشان نرسانند و از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند.» (ساکماق، ۳۷۰۱۳: ۱۲) مؤسس سلسله افشاریه به درخواست مجتهدین ترتیب اثر می‌داد و بنا بر توصیه مولانا محمد رفیع که از مدرس مسجد جامع گوه‌رشاد و از مجتهدان عصر خود بود، با افزایش حقوق و مزایای آقا ابراهیم که شیخ‌الاسلام شهر مشهد بود، موافقت می‌کند. (ساکماق، ۳۵۴۷۳: ۶)

استفاده از روحانیون در مشاغل حکومتی: نادر اعتقاد راسخ داشت تعدادی از خدمه آستان قدس رضوی که در کسوت روحانیت هستند باید همواره در بین لشکریان او حاضر باشند تا امور مربوط به تعلیم و ارشاد آن‌ها را بر عهده داشته باشند و معتقد بود که سپاهیان او درواقع، سربازان حضرت ثامن (ع) هستند و پیروزی‌هایی که سربازان او در میادین نبرد کسب می‌کند را به خاطر الطاف ائمه اطهار (ع) و به خصوص حضرت رضا (ع) است. برای همین، مقرر کرده بود نوزده نفر طلبه با تقوی که دارای صلاحیت و شایستگی‌های دینی بوده و در این زمینه ثابت‌قدم هستند، همواره در بین سپاهیان او حضور داشته باشند و یک نفر از آنان به‌عنوان رئیس آن جمع بود و وظیفه پیش‌نمازی را بر عهده داشت، دو نفر به‌عنوان مؤذن خدمت می‌کردند و سایرین هم به‌عنوان مبلغ در بین لشکر او همواره مشغول به خدمت بودند. حقوق پیش‌نماز سالانه سی تومان و سایر طلبه‌ها مبلغ ۱۵ تومان دریافت می‌کردند. (ساکماق، ۳۵۳۶۱: ۱۵)

در این زمان منصب قاضی عسگر که از دوره شاه‌عباس اول به بعد اهمیت خود را از دست داده بود، مجدد احیاء شد. (ساکماق، ۳۵۴۷۳: ۱) همچنین برای آنکه انگیزه سربازان کشته‌شده را افزایش دهد، دستور داد شیخ موسی به‌عنوان غسل‌باشی با کمک دو روحانی دیگر این کار را انجام دهند و همواره بر علم، تقوی و صلاحیت این افراد تأکید داشت. همچنین دستور داد هر ساله ۱۲ تومان پارچه سفید جهت کفن و دفن و یک تومان و پنج هزار دینار جهت تهیه سدر و کافور از مال خالص آستان قدس تهیه و جهت تبرک به شیخ موسی غسل‌باشی سپاه تحویل دهند تا به سربازانی که به نظر نادر در راه دین اسلام کشته شدند، به‌رسم خلعت آخرت بپوشانند. (همان)

نادرشاه از روحانیون حتی در منصب‌های مهم حکومتی استفاده می‌کرد. در سندی مربوط به ۱۱۵۱ق و ۱۱۵۲ق از شخصی به نام شیخ محمدباقر به‌عنوان وزیر مشهد یا خراسان نامبرده شده است. (ساکماق، ۳۵۱۷۰: ۱) وزیر از مناصب مهم دفترخانه حکومتی در دوره صفویه و افشاریه بود که مستقیم از طرف شاه وقت انتخاب

و با دستورات عمل‌های خاصی به ایالات فرستاده می‌شد. وسعت قلمرو یک وزیر متفاوت بود و از چند ایالت تا یک شهر و محل را در برمی‌گرفت. وزرا در میان صاحبان قدرت از جایگاه مهمی برخوردار بودند که البته تا حد زیادی بستگی به میزان کاردانی آنان داشت. وزیر به‌عنوان دبیران و حساب‌برسان فعالیت داشت و اسناد مربوط به انتصاب و غیره را تنظیم می‌کرد و از حق ویژه مهر کردن یا تأیید برخی از احکام، گواهی‌نامه (تصدیقات) و بیانات و غیره برخوردار بود. (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۴۱۴)

نادرشاه در تداوم سیاست‌های مذهبی صفویان، برای قرارداد صلح با عثمانی عبدالباقی خان را به‌عنوان سفیر به دربار عثمانی فرستاد و همراه او چند نفر از مجتهدان شیعه را نیز روانه نمود تا با علمای پایتخت عثمانی، درباره اختلافات مذهبی و حل چند نکته به بحث و مذاکره پرداخته و موفق شدند برای ایرانیان هم در مکه مانند سایر فرقه‌های اهل سنت امتیاز بگیرند. (اوتر، ۱۳۶۸: ۳۸) در همین سفر، شیخ علی مجتهد که همراه سفیر کبیر ایران بود، بر اثر بیماری درگذشت. او فردی دانشمندی و در انجمن ملاهای ایرانی در استانبول شرکت کرد و با علمای دینی عثمانی، بحث فراوان داشت و همه آنان را در گفتگو مغلوب و مجاب و درمانده کرده بود. مرگش سفیر و همراهان او را بی‌نهایت غمگین کرد، زیرا برای آنان مرد بزرگ و حتی مقدسی به شمار می‌رفت. (همان: ۶۰)

استفاده از روحانیون در مشاغل آستان قدس رضوی: در این دوره باتوجه به اسناد به‌جای مانده از دوره حکمرانی نادرشاه، بسیاری از روحانیون و مجتهدین مهم و عادی در تشکیلات آستان قدس رضوی به‌عنوان مدرس، پیش‌نماز، واعظ، خطیب، سرکشیک، حفاظ قرآن، مؤذن و سایر مشاغلی که از عهده روحانیون برمی‌آمده است مشغول خدمت بودند. (ساکماق، ۳۵۱۱: ۹، ۷) از مدرسان معروف در دوره نادرشاه که از آستانه موجب دریافت نموده‌اند، می‌توان از بهاء‌الدین محمد، عبدالعلی حسینی، شجاع‌الدین محمد رضوی و سید محمد حسینی نام برد. (ساکماق، ۲۸۷۳: ۷، ۵) خطاب به‌کاررفته برای مدرسین آستان قدس رضوی قبل از ذکر نام آنان، عنوان «عالی حضرت» بوده است. (ساکماق، ۳۳۶۵: ۱) خطیب وقت آستان قدس در ۱۱۵۰ق شخصی به نام ملا محسن بود. (ساکماق، ۳۵۶۱۶: ۱) نادرشاه برای روحانیون شیعی ارزش و احترام لازم را قائل می‌شد و علاوه بر واگذاری مشاغلی که باید در آن از وجود مجتهدین استفاده می‌کرد، در صورتی که فرزندان آنان نیز لیاقت و شایستگی لازم را داشتند و مراتب دینی و صلاحیت‌های فقهی آنان به تأیید ملاباشی می‌رسید، می‌توانستند به‌جای والد خود عهده‌دار همان شغل شوند. در ۱۱۵۵ق منصب مدرسی آستان قدس رضوی با تصدیق عالی‌ترین مقام مذهبی ایران (ملاباشی)، از میر علی نقی مدرس به فرزندش سید محمد واگذار می‌شود. (ساکماق، ۳۶۸۸۹: ۱)

فعالیت‌های عمرانی نادرشاه در حرم مطهر رضوی

بحث معماری و فعالیت‌های عمرانی در این مقاله از این‌رو مطرح می‌شود که اساس بقعه متبرکه حضرت رضا (ع) و فضاهای پیرامونی آن کارکرد زیارتی و عبادی دارد و شیعیان به این مکان به‌عنوان یک زیارتگاه مقدس نگاه می‌کنند و سعی وافر دارند در اعیاد مذهبی، ملی و در مراسم سوگواری در اماکن متبرکه حرم مطهر حضور

داشته باشند و عبادات و نیایش‌ها و سایر مراسم مذهبی خود را در این مکان که از نظر آنان مقدس‌ترین جاهای روی زمین است انجام دهند تا فضیلت اعمالشان بیشتر به حساب آید. در دوره نادرشاه افشار با بررسی اسناد معماری حرم مطهر و تزیینات هنری به‌کاررفته در آنجا مشاهده می‌کنیم همانند دوره صفویه به هنر والای اسلامی و هنرهای تزیینی و کاربردی توجه ویژه‌ای شده است و هدف مسئولان امر در این دوره به‌ویژه شخص نادرشاه بر این بوده است که این بنای مذهبی و زیارتی از بهترین نوع آرایه‌های معماری بهره‌مند باشد.

در این دوره کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری، گچ‌بری، طلاکاری، کتیبه‌نویسی، آجرکاری، منبت‌کاری و غیره در اوج درخشش و زیبایی خود ادامه یافت و از بهترین مصالح ساختمانی و هنرمندان برای مرمت و بازسازی قسمت‌های مختلف حرم مطهر استفاده شد. (ساکماق، ۳۶۹۱۵: ۲۸، ۳۷۰۹۴: ۸-۷، ۴، ۱، ۳۷۱۴۱: ۱۰، ۱) نادر در مدت زمان حکومت خود علاوه بر ساخت‌وساز و توسعه فضاهای زیارتی، برای رفاه زائران اقداماتی همچون ساخت ایوان طلای نادری، گلدسته نادری و سقاخانه در حفظ و نگهداری از این زیارتگاه مقدس شیعیان انجام داد.

نادر نقاشان برجسته‌ای بعد از فتح هند با خود به ایران آورد (تهرانی، ۱۳۶۹: ۳۵۴) و همین مسئله باعث شد که سبک نقاشی هندی و اصلاحات خاص آن در اسناد معماری آستان قدس در دوره افشاریه رایج شود، نقاشی‌های زیبای رواق‌های دارالحفاظ، دارالسیاده، دارالسعادة و سایر قسمت‌های اماکن نزدیک به روضه منوره حضرت رضا(ع) به خصوص طاق بالاسر مبارک با شاهکارهایی مثل طرح‌های خطایی، اسلیمی و ترنج‌های ایوان‌ها و شمشه‌های شنجرف به دست استادان نقاش ایجاد شد و نقش‌های ظریف و طرح‌های منقش و سبک‌های استادانه‌ای که عطر معرفت و معنویت را در فضای حرم می‌پراکنند، به ثمر نشانده است و جاهای مختلف حرم مطهر را به بهترین شکل نقاشی گردید که هنوز آثاری از آن باقی مانده است. ترکیب استفاده از طلا و زر در نقاشی این دوره رونق زیادی یافت. (ساکماق، ۳۷۰۱۲: ۱۳-۱۲)

در این دوره استفاده از کاشی همچنان متداول است، گرچه غالب مصالح به‌کاررفته در معماری، گچ جهت گچ‌کاری و گچ‌بری رواق‌ها بود. به‌طورکلی باید گفت استادان شهرهایی مثل قم، کاشان و اصفهان بودند که کاشی‌های موردنیاز را برای اماکن متبرکه تهیه می‌کردند، اما بیشتر کاشی‌های این دوره در صحن حرم توسط استادان اصفهانی به عمل می‌آمد. (ساکماق، ۳۵۳۹۳: ۵) یکی از انواع کاشی‌های استفاده‌شده در این دوره، کاشی گل‌تخت است که در کشیک‌خانه خدام به‌کاررفته است. (ساکماق، ۳۵۶۷۹: ۳)

از دیگر اقدامات نادر موافقت با نقاشی کامل درون گنبد و داخل حرم مطهر در ۱۱۵۶ ق بود. (ساکماق، ۳۷۰۱۳: ۲-۱) او محل هزینه انجام این کار را از محل وجوه نقدی که زائران در داخل ضریح مطهر می‌ریختند، تأمین نمود. متن این دستور مبنی بر اسناد، به این شرح است:

افتتاح مهمات و معاملات سرکار فیض آثار و مسجد جامع سنه تنگوزئیل

توجیہات و مقررات

سرکار فیض آثار

صورت المذکور

ارقام

رقم

به تاریخ شهر صفر سنه ۱۱۵۶ شرح آنکه اعوذ بالله تعالی فرمان همایون شرح آنکه عالی جاه متولی جلیل القدر سرکار فیض آثار به شمول عواطف بیکران خاطر اقدس اعلی سرافرازی داشته بدانند که درین وقت از قراری که عالی جاه محمدامین خان فراش باشی سرکار خاصه شریفه و سرکار باشی کل عمارات بلده فاخره کلات به عرض استادکاران بزم ارم نظم اعلی رسانید آن عالی جاه در باب تعمیر اصل حرم محترم مبارک و زیب و زینت نقاشی آن به مرور دهور فی الجمله غباری بر حواشی و اطراف آن نشئه نقار خاطری داشته که آیا نواب همایون راضی به تعمیر نقاشی اندرون گنبد مبارک خواهم بود [خواهم] یا نه وجهی که همه ساله بجهت معماران آستان به تحویل آن عالی جاه داده می شود باید به مصرف مزبور برسد هرکدام اهم است اولی آن عالی جاه در این باب صاحب اختیار و معلوم است که هرچند صفای آن مکان متبرک محتاج بزینت و زینت نیست، لیکن هرچند پاکیزه تر باشد بهتر است به شرحی که خواهش نمود در هذه السنه از جمله تعمیرات نقاشی اصل درون حرم محترم را منظور داشته شروع و در کمال خوبی و امتیاز اطراف و جوانب را زینت نموده به خوبی و پاکیزگی به اتمام رساند و بعد از آن به جاهای دیگر پردازد. بعد الایام به دستور معمول کار خود را به استیفای معمار باشی سرکار خاصه شریفه رسانیده به موجب استیفانامچه مشاؤلیه به شرح خود مجری و شفقت سعادت شاهنشاهی را شامل حال خود داشته در عهده شناسند. شرح حاشیه آنکه مقرر آنکه چون مقرر شد همه ساله معمار باشی آینده کارهای او سرکار را استیفا نماید آن عالی جاه حسب المقرر معمول و همه ساله دو ماه به نوروز مانده کارهای خود را به استیفای مشاؤلیه رسانیده به اطلاع ناظر سموال مکان این کار و سرکشیکان و استیفانامچه باز یافت می نموده باشد و چون حاصل ضریح مقدس داخل وجه تعمیر بود وجه مزبور را تخفیف به قرار رسم علی حده در این باب صادر شده مقرر فرمودیم که همه ساله آنچه حاصل ضریح مقدس معین شود عوض آن را این وجوهات ابواب جمعی عمال سرکار دیوان باز یافت می نموده باشند. (همان)

هنر هنرمندان آستان قدس به قدری بالابود که نادر برای ساختن مقبره یا قصر خورشید در کلات از وجود آن ها استفاده می نماید و دستور می دهد که کاشی پز و معرق تراش آستان قدس به کلات بروند. (ساکماق، ۳۷۱۷۷:

۱۷)

نتیجه

در مجموع می توان بیان داشت که نادرشاه افشار در دورانی که حاکم خراسان شد، هیچ تغییری در آداب و رسوم رایج در حرم مطهر به وجود نیاورد و کماکان همان مسیری را رفت که پادشاهان صفوی می رفتند. بعد از آنکه شاه طهماسب را خلع نمود و پسرش را بر تخت شاهی نشاند و خود نایب السلطنه ایران شد، مجموعه ای

۱. برای آشنایی بیشتر با اقدامات عمرانی دوره نادرشاه، ر.ک: (نظرکرده، ۱۳۹۵)

تغییرات جزئی در سیاست‌های مذهبی او شروع شد، اما عملی که مغایر با اصول بنیادی شیعه باشد را به وجود نیاورد. از زمان دستیابی به سلطنت، محدودیت‌هایی در برگزاری مراسم سنتی و آیینی شیعیان در حرم مطهر به وجود آورد، اما در عین حال به روح و نماد تشیع در ایران که مدفن حضرت رضا (ع) بود، هیچ‌گونه به احترامی نکرد. در این دوره مراکز آموزشی و فرهنگی مانند مدارس علمیه و مکتب‌خانه‌ها، کتابخانه، نهاد‌های خدماتی که در جهت رفاه بیشتر زائران و مجاوران بودند (مهمان‌سرا، دارالشفاء، سقاخانه، روشنائی، شربت‌خانه) همچون دوره صفویه مشغول ارائه خدمات بودند و سیاست‌های مذهبی نادرشاه منجر به تعطیلی ارائه خدمات رفاهی، زیارتی، مذهبی، عمرانی حرم مطهر نگردید. بعضی اقدامات محدود شد، اما نفس کلی کار تعطیل نگردید و ارتباط علما و روحانیت طراز اول شیعه با این مجموعه قطع نشد و آستان قدس رضوی با همان قداست سابق به حیاتش ادامه داد و حتی در برخی از امور، خدمات و بودجه آن بیشتر شد و اقداماتی اساسی نیز به دستور نادر انجام گردید.

با وجود آنکه زندگی نادر به جنگ و انجام نبردهای مختلف گذشت و بیش از هر چیز او را یک نابغه عظیم نظامی می‌دانند، اما با مراجعه به منابع و مشاهده آثار تاریخی به جامانده از دوره افشاریه و اسناد موجود در مدیریت اسناد آستان قدس رضوی متوجه می‌شویم که نامبرده در هر فرصت به تشویق صاحب‌هنران می‌کوشیده و وجود آنان را مغتنم می‌شمرده است و در جاهای مختلف حرم مطهر به دستور او بازسازی، مرمت و ساخت و سازهای جدید انجام گرفته و نادر نهایت احترام به مضجع شریف حضرت رضا (ع) را نگه داشته است و سعی خود را در حفظ و نگهداری و توسعه فضاهای زیارتی انجام داده است. علاوه بر آن، ارائه خدمات رفاهی به زائران را مدنظر داشته و برای همین به ساخت سقاخانه جدید در صحن حرم مطهر و در نظر گرفتن موقوفات فراوان برای آن اقدام نمود. بنابراین، گزاره نیست که بگوییم جایگاه آستان قدس رضوی به عنوان مهم‌ترین مرکز دینی در ایران تضعیف نشد و حتی نادر با تیزهوشی که داشت با استفاده از این موقعیت بی‌نظیر حرم مطهر امام رضا (ع)، باورهای دینی مردم را در خدمت اهداف ملی خود قرار داد و در سپاهش از آن استفاده نمود، چنانکه پیشنمازان لشکر او از روحانیون آستان قدس رضوی بودند، برای دفن و کفن سربازانش از آستانه پارچه متبرک و کافور می‌گرفت و به این ترتیب سربازانش را به جنگ با دشمن آماده می‌کرد و آنان را غازی می‌نامید و از اعتقادات مذهبی و ملی آنان توأمان استفاده می‌کرد و به بهترین نحو ممکن آنجا را اداره کرد. البته سیاست‌های او باعث حذف بعضی مشاغل و از تعداد خدمه کاسته شد. موقوفات ضبط دولت شد و برای اداره امور آنجا باید از دیوان بودجه دریافت می‌کردند، اما در مجموع می‌توان مدعی شد سیاست‌ها و اصول کلی برای حفظ و اداره امور آن با رعایت برگزاری آداب و رسوم تشیع و مسلمانان حفظ شد. دوایر فرهنگی، آموزشی و خدمات رفاهی و امور عمرانی آن با کمی فراز و نشیب ادامه یافت و هیچ‌گاه به صورت کامل متوقف نشد، بلکه در بعضی زمینه‌ها با رشد و توسعه بیشتری مواجه شد.

- استرآبادی، محمد مهدی. (۱۳۶۸). تاریخ جهانگشای نادری. تهران: دنیای کتاب.
- امام، سید محمد کاظم. (۱۳۴۸). مشهد طوس (یک فصل از تاریخ و جغرافیای خراسان). تهران: کتابخانه ملی ملک.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۲). مطلع الشمس. به کوشش تیمور برهان لیمویی. تهران: فرهنگسرا.
- اوتر، ژان. (۱۳۶۸). سفرنامه ژان اوتر در عصر نادرشاه افشار. ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- اکسورثی، مایکل. (۱۳۸۸). ایران در عصر نادر. ترجمه سید امیر نیاکویی و صادق زیباکلام. تهران: روزنه.
- تهرانی، محمد شفیع. (۱۳۶۹). تاریخ نادرشاهی (نادرنامه). به اهتمام رضا شعبانی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شعبانی، رضا. (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه. تهران: نوین.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس. تهران: عطارد.
- فاطمی مقدم، زهرا. (۱۳۹۱). «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی». پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی. (شماره ۱)، ۶۱-۳۷.
- کاویانیان، احتشام. (۱۳۵۵). شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس. مشهد: آستان قدس رضوی.
- منجم‌باشی، میرزا عبدالباقی. (۱۲۶۸ق). کتابچه موقوفات آستان قدس رضوی. مشهد: بی‌نا.
- همدانی مستوفی، میرزا اسماعیل. (۱۳۱۷ق). آثار الرضویه. مشهد: بی‌نا.
- محبوب فریمانی، الهه. (۱۳۹۰). تاریخچه کتابخانه آستان قدس رضوی بر پایه اسناد از صفوی تا قاجار. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- مروی، محمد کاظم. (۱۳۶۹). عالم‌آرای نادری. تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: علم.
- میرزا رفیعا. (۱۳۸۵). دستور الملوک. به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. ترجمه علی کردآبادی. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- نظرکرده، اعظم. (۱۳۹۵). گزیده اسناد معماری و تعمیرات حرم و اماکن متبرکه رضوی از صفویه تا قاجاریه. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۳۵۳۶۱، ۵۲۷۸۰، ۳۵۸۸۵، ۳۶۸۸۳، ۳۵۶۵۵، ۳۵۶۴۴، ۳۷۰۲۱، ۳۷۰۳۸، ۳۵۶۸۱، ۳۷۰۳۹، ۳۵۴۰۳، ۲۱۲۴۸۵، ۳۷۰۱۲

۳۷۰۹۴، ۳۶۹۱۵، ۳۷۰۱۳، ۳۷۱۷۷، ۳۵۰۴۴، ۱۷۵۵۰۳، ۱۷۵۵۶۰، ۳۵۶۷۳، ۳۷۰۱۳، ۳۵۱۱۱، ۲۸۷۳۰، ۳۳۶۵۰، ۳۵۶۱۶

۳۶۸۸۳، ۳۵۳۶۱، ۳۵۱۷۰، ۳۶۸۸۹، ۳۷۱۴۱